

## مقایسه اثربخشی آموزش فرزندپروری رفتاری به مادران با آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان بر راهبردهای تنظیم هیجان و ابعاد خودکنترلی در دانش آموزان پایه چهارم مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای

### Comparing the effect of behavioral parenting training of mothers and social skilled training of children on Emotion regulation strategies and self-control dimensions in fourth grade students with oppositional defiant disorder

Saeedeh Farid

Ph.D Student, Department Of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.  
Dr. Hassan Mirzshosseini\*

Assistant Professor, Department Of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

[mirzahoseini.hasan@yahoo.com](mailto:mirzahoseini.hasan@yahoo.com)

Dr. Nader Monirpour

Associate Professor of Psychology, Department Of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

سعیده فرید

دانشجوی دکتری روان شناسی، گروه روان شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

دکتر حسن میرزا حسینی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه روان شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

دکتر نادر منیرپور

دانشیار گروه روان شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

### Abstract

The aim of this study was the comparing the effect of behavioral parenting training of mothers and social skills training of children on Emotion regulation strategies and self-control dimensions in fourth-grade students with oppositional defiant disorder. The current research was semi-experimental and pre-test-post-test design and control group. The statistical population included fourth-grade male students and their mothers who had been referred to psychology clinics in Tehran's District 5 between August and September 2020. From the mentioned society, 45 participants were selected using the purposeful sampling method and randomly placed in two experimental and one control group. The experimental group sessions were 12 sessions of 90 minutes for each group. The instruments of this study included the Emotion Regulation Questionnaire (ERQ) and the Self-Control Questionnaire (CPSC). For analysis, analysis of multivariate covariance was used and for comparison, Benferoni analysis was used. The findings showed that in both experimental groups, the average post-test scores in adaptive emotion regulation strategies (effect size = 0.566), maladaptive (effect size = 0.701), and self-control dimensions (effect size = 0.633) compared to the pre-test has changed ( $P < 0.05$ ), but no significant difference was observed between these two methods on study variables and their dimensions ( $P > 0.05$ ). From these findings, it can be concluded that teaching parenting to mothers is as effective as teaching social skills to children on emotion regulation strategies and self-control dimensions of children with the oppositional defiant disorder.

**Keywords:** Oppositional Defiant Disorder, Emotional Regulation, Self-Control, Students, Behavioral Parenting, Social Skills.

### چکیده

هدف از این پژوهش مقایسه اثربخشی آموزش فرزندپروری رفتاری به مادران با آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان بر راهبردهای تنظیم هیجان و ابعاد خودکنترلی دانش آموزان پایه چهارم مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای بود. پژوهش حاضر نیمه آزمایشی و طرح پیش آزمون-پس آزمون-گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل دانش آموزان پسر پایه چهارم دبستان و مادران آنها بود که در بازه زمانی مرداد و شهریور ۱۳۹۹ به کلینیک‌های روان شناسی منطقه ۵ تهران مراجعه کرده بودند. از جامعه مذکور، ۴۵ شرکت کننده با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و یک گروه گواه جایگذاری شدند. جلسات گروه‌های آزمایش ۱۲ دقیقه‌ای برای هر گروه بود. ابزارهای این پژوهش شامل پرسشنامه تنظیم هیجان (ERQ) و پرسشنامه خودکنترلی (CPSC) بود. به منظور تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل کوواریانس چندمتغیری و به منظور مقایسه زوجی از تحلیل بنفرونی استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد در هر دو گروه آزمایش میانگین نمرات پس آزمون در راهبردهای تنظیم هیجان سازگارانه (اندازه اثر = ۰/۵۶)، ناسازگارانه (اندازه اثر = ۰/۷۰۱) و ابعاد خودکنترلی (اندازه اثر = ۰/۶۳) نسبت به پیش آزمون تغییر کرده است ( $P < 0/05$ ، اما تفاوت معناداری بین این دو روش بر روی متغیرهای پژوهش و ابعاد آنها مشاهده نشد ( $P > 0/05$ ). از این یافته‌های می‌توان نتیجه گرفت آموزش فرزندپروری به مادران به اندازه آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان بر راهبردهای تنظیم هیجان و ابعاد خودکنترلی کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای اثربخش است.

**واژه‌های کلیدی:** اختلال نافرمانی مقابله‌ای، تنظیم هیجانی، خودکنترلی، دانش آموزان، فرزندپروری رفتاری، مهارت‌های اجتماعی.

## مقدمه

اختلال نافرمانی مقابله‌ای<sup>۱</sup> یکی از اختلالات دوران کودکی است که ویژگی اصلی آن لجبازی و پیروی نکردن از دستورات والدین و بزرگسالان است که با الگوی رفتارهای خصوصت آمیز در برابر مراجع قدرت، مشکلاتی را در عملکرد تحصیلی و اجتماعی کودکان ایجاد می‌کند (انجمن روانپژوهشکی آمریکا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). مضاف بر این، رفتارهای تضادورزانه، از کوره در رفتن، زودرنجی، رعایت نکردن دستورات و مقررات و رفتارهای قانون شکنانه از دیگر رفتارهای نمایان شده توسط کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای است (اسکرول<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۶). در کنار موارد یاد شده به عنوان مشکلاتی که این کودکان با آنها روبرو هستند، یافته‌های پژوهشی حاکی از آن است که این کودکان مشکلاتی در تنظیم هیجان و خودکنترلی از خود نشان می‌دهند (توناکی<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۹).

تنظیم هیجان یک فرآیند روانی و رفتاری است که موجب می‌شود فرد روحی هیجان‌های خودش و دیگران تاثیر بگذارد (فرارو و تیلور<sup>۵</sup>، ۲۰۲۱) و مطالعات مختلف نشان داده‌اند که کودکان و نوجوانان مبتلا به اختلالات برون‌ریزی شده همچون نافرمانی مقابله‌ای بیشتر از راهبردهای تنظیم هیجانی ناسازگارانه استفاده می‌کنند و در به کارگیری راهبردهای تنظیم هیجانی سازگارانه دچار نقص و نارسانی هستند (توناکی و همکاران، ۲۰۱۹؛ ماسی<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۵). از سوی دیگر، خودکنترلی به این معنی است که یک شخص در موقعیت خود چقدر انعطاف پذیر یا چقدر پایدار است (کاشال<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۶). عدم وجود خودکنترلی کافی در این کودکان، مشکلاتی در تعاملات اجتماعی آنها نیز به وجود می‌آورد (لین<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۱۶) و همین امر موجب مشکلات ارتباطی با همسالان، خانواده و معلم‌ها می‌شود (راوتاکوسکی<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۲۱). این موضوع در حالی است که یافته‌های پژوهشی به نقش شیوه‌های فرزند پروری والدین در ایجاد مشکلات رفتاری کودکان اشاره می‌کند (لوانتینی<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۲۰۲۱).

به نظر می‌رسد آموزش والدین باعث کاهش رفتارهای تکائشی کودکان و کاهش استرس والدین می‌شود (دانفورث<sup>۱۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۶) زیرا شیوه‌های تنبیه‌ی فرزندپروری در دراز مدت کودکان را به سمت رفتارهای پرخاشگرانه و نقض قوانین سوق می‌دهد (برک<sup>۱۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۲) در حالی که، تصحیح بازخورد مادران نسبت به رفتارهای دشوار کودکان، کاهش تنیدگی و مشکلات رفتاری و افزایش مهارت‌های اجتماعی کودکان را به دنبال دارد (ساندرز<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۵)، لذا عدم آگاهی کافی والدین و فرزندان از مهارت‌های ارتباطی باعث بروز ناسازگاری‌ها و تعارضات در ارتباط بین فردی می‌شود (لودووا و لاسکا<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۵). بنابراین، آموزش به والدین با کاهش پرخاشگری و رفتارهای مخرب کودکان مرتبط است (فوجیوارا و همکاران<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۱)؛ و تعامل والد-فرزنده، تاثیر عمیقی بر سلامت روانی کودکان می‌گذارد (کازدین و وايتی<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۳). به عبارتی، آموزش فرزند پروری رفتاری مجموعه مهارت‌هایی است که به والدین آموزش داده می‌شود تا به واسطه این آموزش کیفیت ارتباط والدین با فرزندان افزایش پیدا کند و آنها ارتباط نزدیکی با رفتارهای فرزندان و سازگاری روانی آنها به دست آورند (کیلدر و میدلمیس<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۷).

1. oppositional defiant disorder

2. American Psychiatric Association

3. Schoorl

4. Tonacci

5. Ferraro & Taylor

6. Masi

7. Kauschal

8. Lin

9. Rautakoski

10. Levantini

11. Danforth

12. Burke

13. Sanders

14. Loudovaa & Laseka

15. Fujiwara

16. Kazdin & Whitley

17. Kildare & Middlemiss

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان موجب افزایش رفتارهای سازگارانه آنها می‌شود (Martel<sup>۱</sup>, ۲۰۱۹؛ Skoulos و Tryon<sup>۲</sup>, ۲۰۰۷). این الگوی آموزش به کودکان بر اساس رویکرد تحلیل رفتار می‌تواند رفتارهای جدید را به کودکان آموزش دهد؛ رفتارهای هدفی را که در خزانه رفتاری آنها وجود داشته است را بهبود و سازمان بخشد (اسپیگلر و گورمونت، ۱۹۹۸؛ Nell از هنگلر و شیدو<sup>۳</sup>, ۲۰۰۳). از سوی دیگر روش آموزش مهارت‌های اجتماعی این فرست را به دانش آموزان می‌دهد که احساس کنند مهارت‌هایی دارند که علی‌رغم وجود مشکلات، امکان برقراری یک ارتباط لذتبخش برای آنها ایجاد می‌شود (لطیفی و همکاران، ۱۳۸۸). در واقع، آموزش مهارت‌های اجتماعی مجموعه مهارت‌هایی است که به کودکان آموزش داده می‌شود که موجب گردد رفتارهای سازگارانه آنها با محیط اجتماعی افزایش یابد (براون و مک‌هارדי<sup>۴</sup>, ۲۰۱۴).

با توجه به موارد فوق الذکر و بررسی پیشینه پژوهش، یافته‌ها به طور مجزا از دو مداخله متفاوت اما اثربخش یعنی آموزش فرزندپروری رفتاری به والدین (کازادین، ۲۰۱۷؛ گادو<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۴؛ لاوین<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۰) و همچنین آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان (Martel, ۲۰۱۹؛ Skoulos و Tryon, ۲۰۰۷) حمایت می‌کنند. با این حال، مشخص نیست که میزان اثربخشی این دو روش بر راهبردهای تنظیم هیجان و ابعاد خودکنترلی کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای چه تفاوتی با یکدیگر دارد. لذا هدف از این پژوهش مقایسه اثربخشی آموزش فرزندپروری رفتاری به مادران با آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان بر راهبردهای تنظیم هیجان و ابعاد خودکنترلی دانش آموزان پایه چهارم مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای بود.

## روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ روش از نوع مطالعات نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون-پس آزمون و گروه کنترل است. جامعه آماری پژوهش شامل دانش آموزان پسر پایه چهارم دبستان و مادران آنها بود که در بازه زمانی مرداد و شهریور ۱۳۹۹ به کلینیک‌های روان‌شناسی منطقه ۵ تهران مراجعه کرده بودند. از جامعه مذکور، ابتدا ۶ کلینیک به روش نمونه گیری تصادفی منظم انتخاب و از این ۶ کلینیک، بر اساس فرمول جدول مورگان تعداد ۵۰ نفر از دانش آموزان پسر پایه چهارم دبستان دارای اختلال نافرمانی مقابله‌ای و مادران شان که معیارهای ورود به پژوهش را داشتند انتخاب و ۴۵ نفر از آنها به روش نمونه گیری هدفمند و با گمارش تصادفی در سه گروه ۱۵ نفره وارد پژوهش شدند. جلسات هر دو گروه آزمایش ۱۲ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای بود که در یکی از گروه‌های آزمایش، مهارت‌های اجتماعی به کودکان آموزش داده شد، در گروه آزمایش دیگر، مادران کودکان تحت آموزش فرزندپروری رفتاری قرار گرفتند و گروه گواه تا پایان این پژوهش، مداخله‌ای دریافت نکرد.

به منظور رعایت اصول اخلاقی پژوهش، پس از پایان پژوهش، مادران گروه گواه، تحت مداخله آموزش فرزندپروری رفتاری قرار گرفت. همچنین سایر اصول اخلاقی مورد استفاده در این پژوهش شامل توضیحات کامل به شرکت کنندگان در خصوص طرح این پژوهش، اطمینان دادن به محترمانه بودن اطلاعات و آزادی خروج از پژوهش در هر مرحله از پژوهش بود. معیارهای ورود به این پژوهش شامل تشخیص اختلال نافرمانی مقابله‌ای طی مصاحبه بر اساس DSM 5 و پاسخ به پرسشنامه سیاحه رفتاری کودک (CBC) آچنباخ<sup>۷</sup> (۱۹۹۱) با نمره برش ۰، سن ۱۰ سال برای کودکان (پایه چهارم دبستان)، پسر بودن و رضایت کتبی والدین برای شرکت در این پژوهش بود. معیارهای خروج از این پژوهش شامل غیبت بیش از ۲ جلسه کودکان در گروه مهارت‌های اجتماعی یا مادران در گروه آموزش فرزندپروری، شرکت در برنامه دیگری به طور همزمان، مصرف داروی روان‌پیشکی حین مداخلات و یا عدم تمایل به ادامه پژوهش بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل کوواریانس چند متغیره و به منظور مقایسه زوجی از آزمون بنفرونی با نرم افزار SPSS V.22 استفاده شد.

1. Martel

2. Skoulos & Tryon

3. Henggeler & Sheidow

4. Brown & McHardy

5. Gadou Achenbach

6. Lavigne

7. Achenbach

## ابزار سنجش

**پرسشنامه تنظیم هیجان (ERQ)<sup>۱</sup>**: پرسشنامه تنظیم هیجانی توسط شیلدز و چیکسی<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) طراحی شده است و جزء ابزارهایی است که توسط والدین پاسخ داده می‌شود. هدف از طراحی این ابزار، سنجش توانایی کودک در مدیریت تجرب هیجانی می‌باشد. این ابزار دارای ۲۴ ماده و ۲ مولفه می‌باشد که با مقیاس لیکرت<sup>۳</sup> درجه‌ای پاسخ داده می‌شود. این ابزار دو مولفه تنظیم هیجان سازگارانه و غیرسازگارانه را مورد سنجش قرار می‌دهد. ضرایب آلفای کرونباخ در پژوهش شیلدز و چیکسی (۱۹۹۷) برای تنظیم هیجان غیرسازگارانه ۰/۹۶ و برای تنظیم هیجان سازگارانه ۰/۸۳ بدست آمد. همچنین شیلدز و چیکسی (۱۹۹۷) همسانی درونی تنظیم هیجان غیرسازگارانه را ۰/۸۳ و برای تنظیم هیجان سازگارانه ۰/۹۶ گزارش کردند. ضرایب آلفای کرونباخ در پژوهش اسماعیلیان و همکاران (۱۳۹۵) برای تنظیم هیجان غیرسازگارانه ۰/۸۰ و برای تنظیم هیجان سازگارانه ۰/۹۳ به دست آمد. همچنین همبستگی این مقیاس‌ها با کل سیاهه در در پژوهش اسماعیلیان و همکاران (۱۳۹۵) برای تنظیم هیجان غیرسازگارانه ۰/۷۸ و برای تنظیم هیجان سازگارانه ۰/۶۴ به دست آمد. آلفای کرونباخ این ابزار در پژوهش حاضر برای تنظیم هیجان غیرسازگارانه ۰/۹۰ و برای تنظیم هیجان سازگارانه ۰/۸۷ به دست آمد.

**پرسشنامه خودکنترلی ادراک شده<sup>۴</sup> (CPSC)**: این مقیاس توسط هومفری<sup>۵</sup> (۱۹۸۲) ساخته شده است که از ۱۱ گویه و ۳ خرده مقیاس خودکنترلی میان فردی (ISC) (۴ سوال)، خودکنترلی فردی (PSC) (۳ سوال) و خودسنجدی (SE) (۲ سوال) تشکیل شده است. این ابزار به منظور سنجش ادراک کودکان از خودکنترلی خودشان است که به کمک والدین توسط کودکان پاسخ داده می‌شود. هر گزینه بر حسب اینکه آیا محتوا گزینه کودک را به درستی توصیف می‌کند، یا به صورت ۱ (معمولًاً بله) یا ۰ (معمولًاً نه) پاسخ داده می‌شود. حداقل نمره در این ابزار ۰ (حد پایین)، نمره متوسط ۶ و حد بالای این ابزار نمره ۱۱ می‌باشد. نمره بین ۰ تا ۴ به معنی خودکنترلی پایین است. نمره بین ۴ تا ۶ به معنی خودکنترلی متوسط است و نمره بالاتر از ۶ به معنی خودکنترلی بالا است. در پژوهش هومفری (۱۹۸۲) پایایی مقیاس با استفاده از روش بازآزمایی با طول مدت ۲ تا ۳ هفته بین اجرای آزمون‌ها، اندازه گیری و تعیین شده است. نمره ضریب کل ۰/۷۱ بود، در حالی که ضریب خرده مقیاس‌ها به صورت  $ISC = 0/63$ ،  $PSC = 0/63$  و  $SE = 0/56$  بودند. هومفری (۱۹۸۲) ضرایب همبستگی گشتاوری پیرسون بین CPSC و دیگر پرسشنامه‌های مورد نظر را بین ۰/۶۵ تا ۰/۷۱ گزارش کرد. این ابزار در ایران توسط علیوردی نیا و یونسی (۱۳۹۳) هنجار شده است و پایایی آن با استفاده از روش بازآزمایی به فاصله ۱ ماهه محاسبه و پایایی آن به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۱، ۰/۷۱، ۰/۸۳ و ۰/۶۳ به دست آمد. عاصمی و همکاران (۱۳۹۴) ضرایب همبستگی پیرسون بین پرسشنامه خودکنترلی ادراک شده و دیگر پرسشنامه‌های مشابه را بین ۰/۶۵ تا ۰/۷۱ گزارش کردند. شاخص کودرریچاردسون این ابزار در مطالعه حاضر به ترتیب ۰/۷۳ برای نمره کل و  $ISC = 0/63$ ،  $PSC = 0/65$  و  $SE = 0/59$  به دست آمد.

مداخلات صورت گرفته در جدول ۱ و ۲، به صورت هفتگی طی ۱۲ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای صورت گرفت. الگوی مداخلات آموزش فرزند پروری رفتاری تنظیم شده بر اساس الگوی لاوین و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۱۰) و آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان تنظیم شده بر اساس الگوی اسکولوس و تریون<sup>۷</sup> (۲۰۰۷) می‌باشد.

جدول ۱. خلاصه جلسات آموزش مهارت‌های فرزند پروری ویژه والدین

جلسه	شرح
اول	خوش آمدگویی، معرفی اعضای گروه به همدیگر توضیح در رابطه با تغییب به شرکت مستمر در جلسات، اهمیت رعایت اصل رازداری بین اعضا گروه، اهمیت فرزندپروری و فراز و نشیب‌های آن، توضیح اینکه انجام تکالیف و تمرینات هفتگی چقدر میتواند در جهت تغییر رفتارهای مشکل ساز کودکان اهمیت داشته باشد.
دوم	مرور محتوای جلسه گذشته و بررسی تکالیف انجام شده توضیح سبک‌های مختلف فرزند پروری، توضیح اهمیت آموزش مثبت و بررسی ویژگی‌های آن

1. Emotion Regulation questionnaire

2. Shields & Cicchetti

3. Perceived self-control questionnaire

4. Humphrey

5. Lavigne

6. Skoulos & Tryon

سوم	مروز محتوای جلسات گذشته و بررسی تکالیف محول شده، شرح اینکه چگونه برای کودکان زمان با کیفیت داشته باشد، اهمیت داشتن زمان با کیفیت برای کودکان، آموش گام به گام مفهوم talk باشد که کودکان، انتظارات منطقی از کودکان با توجه به جهه معیار های مشخص می شود
چهارم	مروز محتوای جلسه گذشته و تکالیف محول شده، آیا بر اساس سن و ویژگی های خاص کودکان انتظارات منطقی بوده است؟، اصلاح و تغییر انتظارات نامعقول، چگونگی بیان انتظارات و خواسته ها به کودکان
پنجم	مروز محتوای جلسه گذشته و بررسی میزان موفقیت والدین در بیان انتظارات خود به کودکان، توضیح اینکه چرا هر رفتاری باید پیام داشته باشد، دلیل اثربخشی آموش پیامدها چیست؟، آموش پیامدهای رفتاری به کودک بر اساس موضوع مورد نظر و ویژگی های خاص هر کودک توضیح اینکه اثر گلوله برفی چیست؟، توضیح علت اهمیت گفتن دلیل پیامد رفتاری به کودکان، تبیین پیامد برای کودکان آموش ویژگی های خاص کلامی و بدنه در جهت اثربخشی مطرح کردن انتظارات منطقی به کودکان
ششم	بررسی محتوای جلسه گذشته و تکالیف محول شده، چگونگی در نظر گرفتن پاداش های خاص و نحوه ارائه درست آن به کودکان بعد از رفتار مناسب، بررسی تفاوت تحسین کلی و موثر، آموش گام به گام تحسین موثر بر کودکان
هفتم	آموش گام به گام اقدامات پیشگیرانه، آموش و توضیح اهمیت استفاده زمان موثر بر اقدامات پیشگیرانه
هشتم	مروز جلسه گذشته و توضیح اهمیت داشتن یک جدول سازماندهی شده امتیازدهی برای کودکان، آموش چگونگی نگارش یک تعهد نامه برای کودکان
نهم	آموش گام به گام مراحل اصلاح مشکلات رفتاری کودکان به طور خاص
دهم	مروز جلسه گذشته و تکالیف محوله شده، توضیح اهمیت و هدف آموش خودکنترلی به کودکان، آموش گام به گام یادگیری مهارت خودکنترلی به کودکان
یازدهم	مروز مجدد محتوای جلسات ۱ تا ۱۱، پاسخگویی به ابهامات و سوالات احتمالی والدین
دوازدهم	مروز مجدد محتوای جلسات ۱ تا ۱۱، پاسخگویی به ابهامات و سوالات احتمالی والدین

جدول ۲. خلاصه جلسات آموش مهارت های اجتماعی به کودکان

جلسه	شرح
اول	خوشامدگویی، معرفی اعضای به یکدیگر، بیان موضوعات جلسات و قوانین جلسات، تقاضای شرکت مستمر آنها در جلسات، بیان قواعد شرکت در جلسات و اهمیت و ماهیت مهارت های اجتماعی و کاربرد آن در زندگی روزمره
دوم	قبل از هر آموش مروز آموش های جلسه‌ی قبل، بیان اهمیت ارتباط اجتماعی بیان چگونگی نحوه سخن گفتن چگونگی آغاز رابطه به همراه تمرين ایفای نقش
سوم	قبل از هر آموش مروز آموش های جلسه‌ی قبل، قبل از خواستن چیزی تکلیف خود را معلوم کنیم درخواستمن باید شفاف و مشخص باشد احساس منفی طرف مقابله‌مان را تحریک کنیم، تمرين دیالوگ های مناسب، از چه کسی باید تقاضا کنید چه موقعی باید بخواهید + تمرين ایفای نقش، زیاد توضیح ندهید با تماس چیزی را نخواهید+تمرين ایفای نقش
چهارم	قبل از هر آموش مروز آموش های جلسه‌ی قبل، تعریف خشم و عصبانیت توضیح سطوح خشم الگو سازی یک موقعیت خشم آور، راه های کنترل خشم و همچنین نحوه ابراز آن +تمرين ایفای نقش
پنجم	قبل از هر آموش مروز آموش های جلسه‌ی قبل، توضیح اینکه چرا باید نه بگوییم، علت هایی که نه گفتن را مشکل می کند +تمرين ایفای نقش آموش مراحل نه گفتن، آموش راههای متفاوت نه گفتن
ششم	قبل از هر آموش مروز آموش های جلسه‌ی قبل، اینکه مفهوم صحیح انتقاد اشاره به یک ارزیابی عینی و بی طرفی از افکار و اعمال است. توضیح این که هدف از انتقاد چیست راه های درست انتقاد کردن کدام است +تمرين ایفای نقش
هفتم	قبل از هر آموش مروز آموش های جلسه‌ی قبل، توضیح اهمیت همکاری و مشارکت بین گروه، چگونگی کنار آمدن با مشکلات و بحرانها در روابط دوستان و سایر افراد
هشتم	قبل از هر آموش مروز آموش های جلسه‌ی قبل، توضیح مفهوم مسئولیت بذری و اهمیت آن، الگوسازی مسئولیت بذری برای کودکان و بررسی عکس العمل آنها + تمرين ایفای نقش
نهم	قبل از هر آموش مروز آموش های جلسه‌ی قبل، مروز جلسات قبلی توضیح اهمیت فکر کردن قبل از هر اقدام عملی، آموش مراحل حل مسئله و تمرين عملی آن، آموش راهکارهای مدیریت استرس
دهم	قبل از هر آموش مروز آموش های جلسه‌ی قبل، مروز جلسات گذشته، شرح و توضیح رفتار مناسب در خانه به همراه تمرين ایفای نقش شرح و توضیح رفتار مناسب در محیط آموزشی به همراه تمرين ایفای نقش، آموش روش های رفتارهای مناسب در جامعه به همراه تمرين ایفای نقش
یازدهم	قبل از هر آموش مروز آموش های جلسه‌ی قبل، آموش مهارت های مناسب ابراز وجود
دوازدهم	قبل از هر آموش مروز آموش های جلسه‌ی قبل، مروز همه جلسات گذشته پاسخ دهی به سوالات احتمالی به همراه تمرين ایفای نقش

## یافته‌ها

یافته‌های جمعیت شناختی این پژوهش نشان می‌دهد که میانگین سن کودکان گروه آموزش فرزندپروری  $10/30$  با انحراف استاندارد  $0/488$  و مادران آنها  $39/87$  با انحراف استاندارد  $1/846$  می‌باشد. در این گروه،  $3$  مادر دارای تحصیلات دیپلم،  $9$  مادر دارای تحصیلات کارشناسی و  $3$  مادر دارای تحصیلات کارشناسی ارشد حضور داشتند. میانگین سن کودکان گروه آموزش مهارت‌های اجتماعی  $10/20$  با انحراف استاندارد  $0/414$  و مادران آنها  $41/27$  با انحراف استاندارد  $2/492$  می‌باشد. در این گروه،  $2$  مادر دارای تحصیلات دیپلم،  $8$  مادر دارای تحصیلات کارشناسی،  $4$  مادر دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و  $1$  مادر دارای تحصیلات دکتری بود. در گروه گواه میانگین سنی کودکان  $10/13$  با انحراف استاندارد  $0/352$  و میانگین سن مادران شان  $41/33$  با انحراف استاندارد  $2/795$  است. در این گروه،  $11$  مادر دارای تحصیلات کارشناسی،  $2$  مادر دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و  $2$  مادر دارای تحصیلات دکتری حضور داشت. جدول ۳ اطلاعات توصیفی متغیرهای را در سه گروه در پیش آزمون و پس آزمون بیان می‌کند.

جدول ۳. اطلاعات توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	مرحله	آموزش فرزندپروری	آموزش مهارت‌های اجتماعی	گروه گواه
تنظیم هیجان	سنجهش	میانگین	میانگین	انحراف معیار
سازگارانه	پیش آزمون	$15/07$	$14/93$	$1/100$
تنظیم هیجان	پس آزمون	$18/73$	$18/27$	$15/80$
غیرسازگارانه	پیش آزمون	$38/33$	$35/33$	$1/428$
خودکنترلی میان فردی	پیش آزمون	$1/60$	$1/47$	$1/63$
خودکنترلی فردی	پس آزمون	$2/60$	$0/516$	$1/472$
خود سنجی	پیش آزمون	$0/13$	$0/514$	$0/799$
نمره کل خودکنترلی	پیش آزمون	$1/27$	$0/440$	$0/816$
نمره کل خودکنترلی	پس آزمون	$2/27$	$0/447$	$0/816$
خودکنترلی	پیش آزمون	$0/13$	$0/458$	$0/594$
خود سنجی	پس آزمون	$1/27$	$0/352$	$0/743$
نمره کل خودکنترلی	پیش آزمون	$2/67$	$0/910$	$1/175$
نمره کل خودکنترلی	پس آزمون	$6/13$	$0/834$	$1/352$

به منظور بررسی پیش فرض‌های استفاده از تحلیل‌های پارامتریک، نرمال بودن داده‌ها با آزمون شاپیرو-ولکز بررسی شد که در متغیر تنظیم هیجان سازگارانه آماره  $F=167$  با سطح معناداری  $0/200$  به دست آمد، در متغیر تنظیم هیجان ناسازگارانه آماره  $F=179$  با سطح معناداری  $0/200$  به دست آمد و در نمره کلی خودکنترلی، آماره  $F=113$  با سطح معناداری  $0/056$  به دست آمد. در آزمون لوین آماره  $F$  در متغیر تنظیم هیجان سازگارانه  $1/374$  با سطح معناداری  $0/056$ ، در متغیر تنظیم هیجان ناسازگارانه  $0/838$  با سطح معناداری  $0/056$  و در نمره کلی خودکنترلی  $1/254$  با سطح معناداری  $0/056$  به دست آمد. آماره  $F$  در بررسی شبیه خط رگرسیون برای متغیر تنظیم هیجان سازگارانه  $2/112$  با سطح معناداری  $0/540$ ، برای متغیر تنظیم هیجان غیرسازگارانه  $2/332$  با سطح معناداری  $0/090$  و برای نمره کلی خودکنترلی  $1/254$  با سطح معناداری  $0/351$  به دست آمد. با توجه به رد نشدن ( $p < 0/05$ ) پیش فرض‌ها، انجام تحلیل کوواریانس بلامانع بود. ابتدا جدول ۴ به تحلیل شاخص‌های اعتباری چند متغیری کوواریانس می‌پردازد.

جدول ۴. شاخص‌های اعتباری چند متغیری کوواریانس

اثر	شاخص‌های اعتباری	مقدار	F	سطح معناداری	ضریب آتا
اثر پیلایی		$0/861$	$5/141$	$0/001$	$0/431$
لامبدای ولکز		$0/145$	$10/710$	$0/001$	$0/819$
اثر هاتینگ		$5/834$	$18/870$	$0/001$	$0/745$
بزرگترین ریشه روی		$5/827$	$39/622$	$0/001$	$0/854$

یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد با کنترل پیش آزمون، سطح معناداری لامبدا ویکز حاکی از تفاوت معنادار در حداقل یکی از متغیرها در دو گروه آزمایش و گواه است. در جدول ۵، به تحلیل کوواریانس چند متغیره پرداخته شده است.

جدول ۵. تحلیل کوواریانس چند متغیره

منبع تغییرات	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	میزان آثر	توان آزمون
پیش آزمون	تنظیم هیجان سازگارانه	۹/۹۵۱	۱	۹/۹۵۱	۶/۳۴۴	۰/۰۱۶	۰/۱۴۶	۰/۷۵۰
	تنظیم هیجان غیرسازگارانه	۴۹/۵۱۹	۱	۴۹/۵۱۹	۸/۳۲۲	۰/۰۰۶	۰/۱۸۴	۰/۷۵۰
	خودکنترلی میان فردی	۱۹/۹۱۸	۱	۱۹/۹۱۸	۳/۳۹۸	۰/۰۵۰	۰/۱۰۰	۰/۷۵۰
	خودکنترلی فردی	۶/۸۸۶	۱	۶/۸۸۶	۸/۰۷۴	۰/۰۰۷	۰/۱۷۹	۰/۷۵۰
	خود سنجی	۳/۸۸۳	۱	۳/۸۸۳	۴/۵۵۳	۰/۰۴۰	۰/۱۱۰	۰/۷۵۰
	نمره کل خودکنترلی	۶/۹۹۹	۱	۶/۹۹۹	۴/۴۶۲	۰/۰۴۱	۰/۱۰۸	۰/۷۵۰
	تنظیم هیجان سازگارانه	۷۴/۸۸۹	۲	۷۴/۸۸۹	۳۷/۴۴۵	۰/۰۰۱	۰/۵۶۶	۰/۷۵۰
	تنظیم هیجان غیرسازگارانه	۵۰۴/۰۱۹	۲	۵۰۴/۰۱۹	۴۳/۳۹۱	۰/۰۰۱	۰/۷۰۱	۰/۷۵۰
	خودکنترلی میان فردی	۶/۲۴۸	۲	۶/۲۴۸	۷/۶۶۰	۰/۰۰۲	۰/۲۹۳	۰/۷۵۰
	خودکنترلی فردی	۶/۸۲۸	۲	۶/۸۲۸	۷/۲۸۴	۰/۰۰۲	۰/۲۸۲	۰/۷۵۰
گروه	خود سنجی	۵/۸۳۹	۲	۵/۸۳۹	۱۱/۴۳۲	۰/۰۰۱	۰/۳۸۲	۰/۷۵۰
	نمره کل خودکنترلی	۵۶/۵۹۱	۲	۵۶/۵۹۱	۳۱/۹۵۶	۰/۰۰۱	۰/۶۳۳	۰/۷۵۰
	تنظیم هیجان سازگارانه	۵۷/۵۱۲	۳۷	۵۷/۵۱۲	۱/۵۵۴			
	تنظیم هیجان غیرسازگارانه	۲۱۴/۸۹۲	۳۷	۲۱۴/۸۹۲	۵/۸۰۸			
	خودکنترلی میان فردی	۱۵۰/۰۹۰	۳۷	۱۵۰/۰۹۰	۰/۴۰۸			
	خودکنترلی فردی	۱۷/۳۴۳	۳۷	۱۷/۳۴۳	۰/۴۶۹			
	خود سنجی	۹/۴۵۰	۳۷	۹/۴۵۰	۰/۲۵۵			
	نمره کل خودکنترلی	۳۲/۷۶۲	۳۷	۳۲/۷۶۲	۰/۸۸۵			
	خطا							

یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که میانگین نمرات متغیرهای پژوهش حداقل در بین دو گروه با یکدیگر متفاوت است ( $P < 0.05$ ). اندازه اثر تفاوت بین داده‌ها و فرضیه‌های آماری را در متغیر تنظیم هیجان سازگارانه  $0.566$ ، تنظیم هیجان غیر سازگارانه  $0.701$ ، خودکنترلی میان فردی  $0.293$ ، خودکنترلی فردی  $0.282$ ، خودسنجی  $0.382$  و در نمره کل خودکنترلی  $0.633$  بیان می‌کند. به منظور بررسی تفاوت آموزش فرزندپروری رفتاری به مادران با آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان و تعیین روش موثرتر، جدول ۶ با استفاده از آزمون بنفرونی به مقایسه دو به دو شیوه‌های درمانی در هر یک از متغیرهای پژوهش می‌پردازد.

جدول ۶. مقایسه زوجی با استفاده از تحلیل بنفرونی به منظور تعیین تأثیر روش موثرتر

متغیر وابسته	گروه مبنای	گروه مقایسه	میانگین معناداری	سطح
تنظیم هیجان سازگارانه	آموزش فرزند پروری	آموزش فرزند پروری	۰/۸۶۴	۰/۵۴۶
	آموزش فرزند پروری	گواه	۳/۱۱۷	۰/۰۰۱
	آموزش فرزند پروری	گواه	۲/۲۵۲	۰/۰۰۲
	آموزش فرزند پروری	آموزش فرزند پروری	-۲/۲۷۶	۰/۲۱۶
	آموزش فرزند پروری	گواه	-۸/۰۹۱	۰/۰۰۱
	آموزش فرزند پروری	گواه	-۵/۸۱۵	۰/۰۰۱
	آموزش فرزند پروری	آموزش فرزند پروری	۰/۰۹۸	۰/۹۹۹
	آموزش فرزند پروری	گواه	۰/۸۶۶	۰/۰۰۲
	آموزش فرزند پروری	گواه	۰/۷۶۸	۰/۰۵۰
	آموزش فرزند پروری	آموزش فرزند پروری	۰/۲۰۱	۰/۹۹۹
خودکنترلی فردی	آموزش فرزند پروری	گواه	۰/۹۲۹	۰/۰۰۲

مقایسه اثربخشی آموزش فرزندپروری رفتاری به مادران با آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان بر راهبردهای تنظیم هیجان و ابعاد خودکنترلی در دانش آموزان پایه چهارم مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای  
Comparing the effect of behavioral parenting training of mothers and social skilled training of children on Emotion...

۰/۰۵۰	۰/۷۲۸	گواه	آموزش مهارت‌های اجتماعی	
۰/۹۹۹	۰/۲۱۵	آموزش مهارت‌های اجتماعی	آموزش فرزند پروری	خود سنجی
۰/۰۰۱	۰/۸۶۵	گواه	آموزش فرزند پروری	
۰/۰۳۴	۰/۶۵۰	گواه	آموزش مهارت‌های اجتماعی	
۰/۸۷۱	۰/۵۱۵	آموزش مهارت‌های اجتماعی	آموزش فرزند پروری	نمره کل خودکنترلی
۰/۰۰۱	۲/۶۶۰	گواه	آموزش فرزند پروری	
۰/۰۰۱	۲/۱۴۶	گواه	آموزش مهارت‌های اجتماعی	

یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد، در متغیرهای مربوط به تنظیم هیجان یعنی تنظیم هیجان سازگارانه و غیرسازگارانه، تفاوت معناداری بین میانگین نمرات در دو گروه آزمایش وجود ندارد ( $P > 0.05$ )، اما میانگین نمرات گروه آزمایش آموزش فرزندپروری با گروه گواه و گروه آموزش مهارت‌های اجتماعی با گروه گواه متفاوت است ( $P < 0.05$ )، لذا تفاوت معناداری بین اثربخشی این دو روش بر متغیرهای تنظیم هیجان سازگارانه و غیرسازگارانه مشاهده نمی‌شود. همچنین در متغیرهای مربوط به خودکنترلی یعنی خودکنترلی میان فردی، خودکنترلی فردی، خودسنجی و نمره کلی خودکنترلی، تفاوت معناداری بین میانگین نمرات در دو گروه آزمایش وجود ندارد ( $P > 0.05$ )، اما میانگین نمرات گروه آزمایش آموزش فرزندپروری با گروه گواه و گروه آموزش مهارت‌های اجتماعی با گروه گواه متفاوت است ( $P < 0.05$ )، لذا تفاوت معناداری بین اثربخشی این دو روش بر متغیرهای خودکنترلی فردی، خودسنجی و نمره کلی خودکنترلی، مشاهده نمی‌شود.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش مقایسه اثربخشی آموزش فرزندپروری رفتاری به مادران با آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان بر راهبردهای تنظیم هیجان و ابعاد خودکنترلی دانش آموزان پایه چهارم مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای بود. یافته اول پژوهش نشان داد آموزش فرزندپروری رفتاری به مادران بر راهبردهای تنظیم هیجان و ابعاد خودکنترلی در دانش آموزان پایه چهارم مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای اثربخش است. این یافته‌ها به شکل غیر مستقیم از حیث اثربخشی آموزش فرزندپروری رفتاری بر عالائم اختلال نافرمانی مقابله‌ای با یافته‌های کازدین (۲۰۱۷)، لاوین و همکاران (۲۰۱۰) و گادو و همکاران (۲۰۱۴) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت منابع تئیدگی نظام والد-کودک، می‌تواند با ابعاد کنشوری والدین مرتبط باشند و سطوح بالای تئیدگی در قلمرو والدینی با کودک مرتبط است (برک، لوبر و بیرماه، ۲۰۰۲). مداخلات آموزشی می‌تواند با تصحیح بازخوردها و ادراک‌هایی که مادران نسبت به رفتارهای دشوار فرزندانشان داشته‌اند، به افزایش توانایی مقابله در رویارویی با وظایف مادرگری منجر می‌شود و کاهش تئیدگی و مشکلات رفتاری کودک را به دنبال دارد. در واقع، روش آموزش والدین مبتنی بر فرزندپروری بر هماهنگی و تعامل والدین در تربیت مثبت کودک تأکید دارد و همچنین علاوه بر ابعاد مشترک با آموزش مهارت‌های اجتماعی، شامل جلساتی برای تفاوقي والدین و هماهنگي رفتار آن‌ها در تعامل با کودک است (ساندرز، ۲۰۰۵). به طور کلی، آموزش فرزندپروری می‌تواند دانش و مهارت، آموزش حل مسئله، گسترش سرگرمی و اینمنی، افزایش کارآمدی رفتاری، هوشی، زبانی، عاطفی و اجتماعی را در مادران افزایش دهد و با رشد چنین مهارت‌هایی در مادران می‌توان شاهد کاهش پرخاشگری و رفتارهای مخرب در آنان و کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای شد (فوجیوار، کاتو، ساندرز، ۲۰۱۱).

یافته دوم پژوهش نشان داد آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان بر راهبردهای تنظیم هیجان و ابعاد خودکنترلی در دانش آموزان پایه چهارم مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای اثربخش است. این یافته به شکل غیر مستقیم از حیث اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان بر عالائم اختلال نافرمانی مقابله‌ای در کودکان با یافته‌های مارتل (۲۰۱۹)، اسکولوس و تریون (۲۰۰۷) و کزدین و واسل (۲۰۰۰) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که داستان‌های به کار گرفته شده در این برنامه، الگویی از مهارت‌های اجتماعی و شیوه‌های مناسب برخورد در موقعیت‌های مختلف را به کودکان ارائه داده است. این الگوها بر اساس رویکرد تحلیل رفتار (اسپیگلر و گورمونت، ۱۹۹۸؛ نقل از هنگلر و شیدو، ۲۰۰۳) می‌تواند رفتارهای جدید را به کودکان آموزش دهد؛ رفتارهای هدفی را که در خزانه رفتاری آنها وجود داشته است را بهبود و سازمان بخشد. ویژگی‌های خاص برنامه حاضر از جمله آموزش مهارت‌های مهم و اساسی، اجرای برنامه در قالب گروه و تنوع فعالیت‌ها نیز می‌توانند مبین تأثیرات درمانی باشند. در این برنامه سعی شده بود که مهارت شناخت احساسات

که زیربنای رفتار انسان به شمار می‌رود و به دنبال آن مهارت کنترل خشم، حل مسئله و رفتارهای مطلوب در مدرسه به کودکان آموخته شود. به نظر می‌رسد اجرای این برنامه به صورت گروهی پتانسیل تغییر را در هر کدام از آزمودنی‌ها افزایش داده باشد؛ زیرا گروه می‌تواند مجالی برای سهیم شدن در تجربه‌های یکدیگر و یادگرفتن از آنها، تغییر احساس انزوا و تنهایی، بیان تجربه‌های شخصی و کسب بیانش نسبت به رفتار خود، همچنین امتحان و تجربه گزینه‌های جدید رفتاری را فراهم نماید.

یافته سوم پژوهش نشان بین آموزش فرزندپروری رفتاری به مادران و آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان بر راهبردهای تنظیم هیجان و ابعاد خودکنترلی در دانش آموزان پایه چهارم مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای تفاوت وجود ندارد. همچنین پژوهشگر نتوانست برای این فرضیه یافته‌هایی جهت مقایسه پیدا کند. در تبیین این یافته می‌توان کرد که روابط بین والدین و فرزندان به طور خاص، تأثیر عمیقی بر سلامت روانی، فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی کودک دارد (کازدین و وايتلی، ۲۰۰۳). در واقع تعاملات خانوادگی ضعیف، شامل فرزند پروری بی‌ثبات و مبتنی بر تنبیه، نگرش والدی طرد کننده یا سرد، قوانین انضباطی سخت و ناپایدار، دلیستگی نایمن، نظارت یا کنترل ناکافی والدی و اختصاص زمان اندک به کودک و فقدان ارتباط مثبت (هونورادو و بوهاس، ۲۰۰۷) به عنوان عوامل خطر و پیش‌بینی کننده در نظر گرفته می‌شوند که به طور کلی این کودکان را در معرض خطر بروز رفتارهای پرخاشگرانه قرار می‌دهند (وبستر-استراتون، ۲۰۰۵). از سوی دیگر درمان آموزش مهارت‌های اجتماعی و از جمله آموزش مهارت‌های اجتماعی مبتنی بر پردازش شناختی برای اولین بار این فرصت را برای این دانش آموزان فراهم می‌کند که با فاصله به مشکل خود مواجه شوند و احساس کنند مهارت‌هایی دارند که علی‌رغم وجود مشکلات تحصیلی، امکان برقراری یک ارتباط لذت‌بخش را برای آنها ایجاد می‌کند. به علاوه، آموزش به‌گونه‌ای بود که دانش آموزان را به تأمل و تفکر و می‌دادشت، چرا که مبتنی بر سوال و تفکر بود و مکرر تأکید می‌شد از پاسخ دادن سریع و تکانشی پرهیز و بیشتر دقت و تأمل کنند (لطیفی و همکاران، ۱۳۸۸).

به طور کلی از یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت، هرچند مطالعات پیشین از اثربخشی آموزش رفتاری به والدین (دانفورث و همکاران، ۲۰۰۶) و آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان (مارتل، ۲۰۱۹) برای تنظیم هیجان و ابعاد خودکنترلی کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای حمایت می‌کنند، اما تفاوت معناداری بین این دو روش مشاهده نمی‌شود و در شرایطی که امکان آموزش فقط برای والد و یا فقط برای فرزند محیا باشد، باز هم می‌توان از این مداخلات به شیوه‌ای امید بخش استفاده کرد.

این پژوهش دارای محدودیت‌هایی بود که از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به نمونه گیری هدفمند، عدم وجود دوره پیگیری و عدم کنترل برخی از متغیرهای مداخله گر نظری مدت اختلال، اشاره نمود. به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی از نمونه گیری تصادفی، دوره پیگیری و کنترل متغیرهای مداخله گر استفاده نمایند. همچنین در کاربرد یافته‌های این پژوهش به کانون‌های پرورش کودکان و نوجوانان پیشنهاد می‌شود که تا جای ممکن زمینه‌ای را برای برقراری کلاس‌های فرزند پروری برای مادران و آموزش مهارت‌های اجتماعی برای کودکان فراهم آورند.

## منابع

- اسماعیلیان، ن.، دهقانی، م.، فلاح، ص. (۱۳۹۵). بررسی ویژگی‌های روان‌سنگی چک لیست تنظیم هیجانی کودکان و نوجوانان. دستاوردهای روان‌شناسی پالینی، ۲(۱)، ۱۵-۳۴. <https://dx.doi.org/10.22055/jacp.2017.18725.1023>
- لطیفی، ز.، امیری، ش.، ملک‌پور، م.، مولوی، ح. (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش حل مسئله شناختی- اجتماعی بر بهبود روابط بین فردی تغییر رفتارهای اجتماعی و ادراک خودکارآمدی دانش آموزان مبتلا به ناتوانی یادگیری. فصلنامه تاره‌های علوم شناختی، ۱۱(۳)، ۷۰-۸۴. <http://icssijournal.ir/article-%DB%81-%DB%86%DB%85-fa.html>
- عاصمی، ز.، زارع، ح.، علیپور، ا.، غباری بناب، ب. (۱۳۹۴). اثربخشی برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق بر راهبردهای خودکنترلی آن‌ها، فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۹(۳)، ۶۵-۷۷. [https://apsy.sbu.ac.ir/article\\_96373.html](https://apsy.sbu.ac.ir/article_96373.html)
- علیوردی نیا، ا.، یونسی، ع. (۱۳۹۳). تأثیر میزان خودکنترلی بر ارتکاب جرم در میان دانشجویان. راهبرد فرهنگ، ۲۶، ۱۱۸-۹۴. [http://www.jsfc.ir/article\\_15127.html](http://www.jsfc.ir/article_15127.html)
- Achenbach, TM. (1991). *Manual for the Child Behavior Checklist/ 4-18 and 1991 Profile*. Burlington, VT: University of Vermont Department of Psychiatry. [https://books.google.com/books/about/Manual\\_for\\_the\\_Child\\_Behavior\\_Checklist.html?id=I5btOwAACAAJ](https://books.google.com/books/about/Manual_for_the_Child_Behavior_Checklist.html?id=I5btOwAACAAJ)
- American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorder* (Revised 5 ed), Washington: American Psychiatric Association. [https://www.appi.org/Products/DSM-Library/Diagnostic-and-Statistical-Manual-of-Mental-Di-\(1\)](https://www.appi.org/Products/DSM-Library/Diagnostic-and-Statistical-Manual-of-Mental-Di-(1))

مقایسه اثربخشی آموزش فرزندپروری رفتاری به مادران با آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان بر راهبردهای تنظیم هیجان و اعاد خودکنترلی در دانش آموزان پایه چهارم مبتلا به اختلال نافرمائی مقابله‌ای  
Comparing the effect of behavioral parenting training of mothers and social skilled training of children on Emotion...

- Burke, J.D., Loeber, R., Birmaher, B. (2002). Oppositional defiant disorder conduct disorder: A Review of the past 10 years, part II. *American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*. 1275-1293. <https://doi.org/10.1097/00004583-200211000-00009>
- Brown, S., McHardy, J. (2014). Karl Taylor, Intergenerational analysis of social interaction and social skills: An analysis of U.S. and U.K. panel data, *Economics of Education Review*, 40, 43-54. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0272775714000144>
- Danforth, J. S., Harvey, E., Ulaszek, W. R., & McKee, T. E. (2006). The outcome of group parent training for families of children with attention-deficit hyperactivity disorder and defiant/aggressive behavior. *Journal of behavior therapy and experimental psychiatry*, 37(3), 188-205. <https://doi.org/10.1016/j.jbtep.2005.05.009>
- Ferraro, I., Taylor, A. (2021), Adult attachment styles and emotional regulation: The role of interoceptive awareness and alexithymia, *Personality and Individual Differences*, 173, 110641. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2021.110641>
- Fujiwara, T., Kato, N., Sanders, M. R. (2011). Effectiveness of Group Positive Parenting Program (Triple P) in changing child behavior, parenting style, and parental adjustment: An intervention study in Japan. *Journal of Child and Family Studies*, 20(6), 804-813. <http://dx.doi.org/10.1007/s10826-011-9448-1>
- Gadow, K., Arnold, L. E., Molina, B. S., Findling, R. L., Bukstein, O. G., Brown, N., McNamara, N et al. (2014). Risperidone Added to Parent Training and Stimulant Medication: Effects on Attention-Deficit/Hyperactivity Disorder, Oppositional Defiant Disorder, Conduct Disorder, and Peer Aggression, *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 53(9), 948-959. <https://doi.org/10.1016/j.jaac.2014.05.008>
- Henggeler, S.W. & Sheidow, J. (2003). "Conduct disorder and delinquency". *Journal of Marital Fam ther*; (3): 45-56. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1111/j.1752-0606.2003.tb01692.x>
- Humphrey, L. L. (1982). Children's and teacher's perspectives on children's self-control: The development of toe rating scales, *journal of Consulting and Clinical Psychology*, 50, 624-633. <https://doi.org/10.1037/0022-006x.50.5.624>
- Kaushal, Ritu and T. K. Wantes, Catherine. (2006). The role of culture and personality in choice of conflict management strategy. *International journal relations*, 30. 579-603. <https://doi.org/10.1016/j.ijintrel.2006.01.001>
- Kazdin, A.E. & Whitley, M.K. (2003). "Treatment of parental stress to enhance therapeutic change among children referred for aggressive and antisocial behavior". *Journal of Consulting and Clinical Psychology*. 71:504–515. <https://doi.org/10.1037/0022-006x.71.3.504>
- Kazdin, A. E. (2017). *Research design in clinical psychology* (5<sup>th</sup> ed.). Boston, MA: Pearson. <https://www.pearson.com/us/higher-education/program/Kazdin-Revel-for-Research-Design-in-Clinical-Psychology-Access-Card-5th-Edition/PGM2471418.html>
- Kildare, C., Middlemiss, W. (2017). Impact of parents mobile device use on parent-child interaction: A literature review, *Computers in Human Behavior*, 75, 579-593. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0747563217303722>
- Lavigne, J., LeBailly, S., Gouze, K., Binns, H., Keller, J., Pate, L. (2010). Predictors and Correlates of Completing Behavioral Parent Training for the Treatment of Oppositional Defiant Disorder in Pediatric Primary Care, *Behavior Therapy*, 41 (2), 198-211. <https://doi.org/10.1016/j.beth.2009.02.006>
- Levantini, V., Muratori, P., Calderoni, S., Inguaggiato, E., Masi, G., Milone, A., Tonacci, A., Billeci, L. (2021). Parenting practices moderate the link between attention to the eyes and callous unemotional traits in children with Disruptive Behavior Disorder: An eye-tracking study, *Journal of Psychiatric Research*, <https://doi.org/10.1016/j.jpsychires.2021.11.016>.
- Loudovaa, I., Laseka, J. (2015). Parenting style & its influence on the personal & moral development of the child. *Procedia-Social & Behavioral sciences*, 174, 1247-1254. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.01.744>
- Lin, X., Li, L., Chi, P., Wang, Z., Allen Heath, M., Du, H., Fang, X. (2016). Child maltreatment and interpersonal relationship among Chinese children with oppositional defiant disorder, *Child Abuse & Neglect*, 51, 192-202. <https://doi.org/10.1016/j.chabu.2015.10.013>
- Masi, G., Muratori, P., Manfredi, A., Pisano, S., Milone, A. (2015). Child behaviour checklist emotional dysregulation profiles in youth with disruptive behaviour disorders: Clinical correlates and treatment implications, *Psychiatry Research*, 225 (1), 191-196. <https://doi.org/10.1016/j.psychres.2014.11.019>
- Martel, M. (2019). The Clinician's Guide to Oppositional Defiant Disorder, *Academic Press*, 185-201. <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-815682-7.00012-4>
- Rautakoski, P., Ursin, P., Carter, A., Kaljonen, A., Nylund, A., Pihlaja, P. (2021). Communication skills predict social-emotional competencies, *Journal of Communication Disorders*, 93, 106138. <https://doi.org/10.1016/j.jcomdis.2021.106138>
- Sanders, MR. (2005). *Triple p: a Multi-level System of Parenting Intervention: Workshop Participant Notes*. The university of Queensland: Australia, Brisbane.
- Schoorl, J., van Rijn, S., de Wied, M., van Goozen, S., & Swaab, H. (2016). Emotion Regulation Difficulties in Boys with Oppositional Defiant Disorder/Conduct Disorder and the Relation with Comorbid Autism Traits and Attention Deficit Traits. *PLoS ONE*, 11(7), e0159323. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0159323>
- Shields, A., & Cicchetti, D. (1997). Emotion regulation among school-age children: The development and validation of a new criterion Q-sort scale. *Developmental Psychology*, 33(6), 906-916. <https://doi.org/10.1037//0012-1649.33.6.906>
- Skoulou, V., & Tryon, G. S. (2007). Social Skills of Adolescents in Special Education Who Display Symptoms of Oppositional Defiant Disorder. *American Secondary Education*, 35(2), 103–115. <https://www.jstor.org/stable/41406292>
- Tonacci, A., Billeci, L., Calderoni, S., Levantini, V., Masi, G., Milone, A., Pisano, S., Muratori, P. (2019). Sympathetic arousal in children with oppositional defiant disorder and its relation to emotional dysregulation, *Journal of Affective Disorders*, 257, 207-213. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2019.07.046>